عنوان:

این قید، قید کجاست؟

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | e-t-20 |
| موضوع | تفسیر/تفسیر موضوعی قرآن |
| موضوع مرتبط | بلاغت/اطلاق و تقیید؛ اصول فقه/مفهوم شرط |
| رده | علمی/فقه و اصول/ اصول فقه/تحقیقی پژوهشی/اصول الفقه/تبیین |
| برچسب | استظهار، شکر، عبادت، شرط، قید، اطلاق، تقیید، آیت الله سبحانی،مفهوم شرط، تفسیر به رأی |
| توضیحات | این مطلب، ردّ آیت الله سبحانی بر تفسیر آقای یوسف شعار است. |

(یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُلُوا مِنْ طَیِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاکُمْ وَ اشْکُرُوا لِلَّهِ إِنْ کُنْتُمْ إِیَّاهُ تَعْبُدُونَ‌)

(بقره، آیه ۱۷۲)

«ای افراد با ایمان از چیزهای پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم بخورید

و خدا را شکر کنید، اگر فقط او را می پرستید».

آگاهی از زندگانی عرب جاهلی مایه روشنی مفاد آیه می گردد، زیرا عرب جاهلی بخشی از «طیبات» را بر خود حرام کرده بود که قرآن در سوره مائده آیه ۱۰۳ به نکوهش آنان در مورد این کار می پردازد.

 از این جهت در آیه مورد بحث می فرماید: (کُلُوا مِنْ طَیِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاکُمْ). «از روزی های پاکیزه ای که به شما داده ایم، بخورید». آنگاه دستور سپاس می دهد و می گوید: (وَ اشْکُرُوا لِلَّهِ): در برابر این نعمت ها سپاسگزار باشید «و سپاسگزاری مایه فزونی نعمت و نشانه شایستگی انسان است». آنگاه در بخش سوم آیه جمله شرطیه ای می آورد و می فرماید: (إِنْ کُنْتُمْ إِیَّاهُ تَعْبُدُونَ‌): «اگر او را می پرستید».

 اکنون باید دید که این جمله شرطی به کدام یک از دو جمله پیشین مربوط است.

آیا این جمله «قید» جمله «وَ اشْکُرُوا لِلَّهِ» است یا قید جمله «کُلُوا مِنْ طَیِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاکُمْ» می باشد؟

مفسران نظر نخست را برگزیده اند، در حالی که مؤلف تفسیر(یوسف شعار) نظر دوم را انتخاب کرده است. قواعد عربی و مفهوم صحیح آیه، با نظریه نخست موافق است، زیرا پیوسته هر «قیدی» به جمله نزدیک مرتبط می گردد، نه به جمله دور، و جمله نزدیک به این قید همان جمله «وَ اشْکُرُوا لِلَّهِ» است و قواعد عربی اجازه نمی دهد که جمله نزدیک را نادیده بگیریم و قید را به جمله بعید «کُلُوا مِنْ طَیِّبَاتِ» باز گردانیم و مفهوم آیه این است که اگر خدا را می پرستید، به همان ملاک او را نیز شکرگزار باشید، اگر او را از این نظر می پرستید که آفریدگار و کارگردان جهان آفرینش است، باید او را نیز سپاسگزار بود، زیرا آنچه در روی زمین از«طیبات» وجود دارد، مخلوق و آفریده او است و به حکم اینکه او صاحب نعمت می باشد باید او را سپاسگزاری نیز نمود. بنابراین مفاد آیه این است که اگر او را می پرستید شکر او را نیز به جا آورید، زیرا خدایی که ملاک عبادت در او هست ملاک شکر نیز در او موجود می باشد. سنگ اول گر نهد معمار کج… از آنجا که مفسر معاصر در مطلب قبل در تفسیر معنی «شکر»، دچار اشتباه شد و «شکر» بشر را در مقابل نعم الهی با عبادت و پرستش یکسان گرفت – لذا – اصرار ورزیده که جمله شرطیه نمی تواند متعلق به (اعبدوا) باشد زیرا در این صورت معنی آیه چنین می شود (اگر خدا را عبادت کننده اید او را عبادت کنید) و این مفهوم صحیح نیست، سپس تلاش نموده که اثبات کند، که جمله شرطیه متعلق به «کلوا» است و مفهوم صحیح آیه چنین است که ای مومنان از روزیها بخورید اگر خدا را عبادت کنندگانید. از آنجا که نویسنده در این بحث سنگ اساسی را کج نهاده ناچار بنایی که روی آن نهاده است تا آخر کج رفته است ما در مطلب پیش اثبات نمودیم که هرگز این دو لفظ از نظر لغت یک معنی ندارند بلکه دو مفهوم متغایر دارند و میان مصادیق آنها از نسبت اربع عموم و خصوص مطلق است – لذا – تفسیر «اشکروا» با جمله (اعبدوا) کاملاً اشتباه است و اساساً «شکر» بابی است و پرستش باب دیگر، شکر مخلوق جائز و عبادت و پرستش مخلوق حرام است و تقارن مصداقی دلیل بر بیگانگی در مفهوم نیست و تفاوت این دو بسیار روشن است.

شکر از نظر مفهوم غیر عبادت است، شکر سپاسگزاری است، و عبادت پرستش است و این دو لفظ مفهوماً و مصداقاً با هم فرق دارند.

شکر تعظیم منعم است در برابر کسی که نیکی کرده است چنان که می گوید: «اَلشُّکرُ هُوَ الوَصفُ بِالجَمیلِ الإختیاری عَلی وَجهِ التَّعظیمِ وَ التَّبجِیلِ عَلیَ النِّعمَهِ بِاللِّسانِ وَ الجِنانِ وَ الارکانِ». (شکر: ثناگوئی است در برابر نعمت خواه با زبان و خواه با بدن و قلب (ادراکات)). در حالی که «عبادت» خضوع در برابر خدا است.

پرستش غیر خدا حرام است، ولی تشکر از نیکی دیگران لازم است.

نظر نویسنده تفسیر:

نویسنده تفسیر در توضیح آیه دچار مخمصه می شود زیرا می بیند معنی آیه طبق تفسیر او این می شود: ای افراد با ایمان از روزیها بخورید اگر خدا را عبادت کنندگانید، و مفهوم آن این می شود که افراد غیر مؤمن از روزیها نخورند، چون از عبادت کنندگان خدا نیستند. برای فرار از این مخمصه می نویسد: آیه شریفه مفهوم ندارد، و معنی مزبور از آن استفاده نمی شود زیرا این سخن غیر عملی است. و این سخن منطقی نییست که بگوئیم چون مفهوم آیه از نظر ما غیر عملی است پس آیه مفهوم ندارد در صورتی که جمله شرطیه در جائی مفهوم ندارد که شرط محقق موضوع باشد چنانکه در مثال «اِن رُزِقَت وَلَداً فَاختِنهُ»، چنین است و در این مثال جمله شرطیه مفهوم ندارد، زیرا بسیار بدیهی است که اگر کسی فرزند نداشته باشد، طبعاً موضوع ختنه هم منتفی می شود. ولی در آیه مورد بحث ما، اگر معنی آیه را آن طور بگوئیم که نویسنده می گوید: باید به مفهوم آن نیز ملتزم شد و گفت: از روزیها بخورید اگر از عبادت کنندگانید و کسی که از عبادت کنندگان نباشد، نباید روزی بخورد و این قطعاً صحیح نیست. نتیجه اینکه: مراد از «وَ اشْکُرُوا لِلَّهِ» همان سپاسگزاری است نه عبادت و پرستش، فرق ما بین عبادت و پرستش هم در لغت و عرف و اصطلاح عرب بسیار است و جمله «إِنْ کُنْتُمْ إِیَّاهُ تَعْبُدُونَ‌» از متممات جمله «وَ اشْکُرُوا لِلَّهِ» می باشد. در این بیست و پنج مطلب بخشی از لغزشهای نابخشودنی نویسنده را یادآور شدیم، هر چند اشتباهات او در این کتاب منحصر به این موارد نیست، ولی تا آنجا که با عقائد اسلامی ما تصادم داشت آنها را روی دائره ریختیم و با دلائل روشن به نقد آنها پرداختیم، و آنجا هم که با عقائد ما ارتباطی نداشت از آن نظر نقد نکردیم تا پایه «قرآن شناسی» او روشن گردد – مع الوصف – اعتراف می کنیم که وی در پاره ای از موارد به درستی سخن گفته است. اما بزرگ ترین اشتباه او، مربوط به تفسیر آیه «محکم» و «متشابه» است که کراراً به تفسیر آن پرداخته و نظریه موروثی از «ابن تیمیه» را در زبان فارسی، احیا کرده است همچنان که «عبده» نیز آن را برگزیده و در تفسیر«المنار» آورده است.[[1]](#footnote-1)

1. سبحانی، جعفر (۱۳۸۷)، تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ چهارم. [↑](#footnote-ref-1)